

## پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات عربی متحدہ بر جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس

غلامرضا فتاحی نیا<sup>۱</sup>

محمد شیخ‌زاده<sup>۲</sup>

محمد اسماعیلی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۰

### چکیده

در قرن اخیر دریاها نقش حائز اهمیت را برای کشورها و دولت‌هایشان در خصوص مؤلفه‌های قدرت، امنیت و منافع ملی دارا بوده‌اند. مسائل جهانی و منطقه‌ای خلیج فارس و جزایر متعدد آن در ابعاد ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک نقش بسیار مهمی در سرنوشت سیاسی، نظامی، دفاعی و امنیتی کشورهای ساحلی این منطقه به‌ویژه ایران دارد. این مقاله با طرح این مسأله که از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و در افق آینده‌پژوهی، پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات عربی متحدہ بر جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس از دیدگاه جغرافیای سیاسی چه خواهد بود؟ این موضوع را مورد مطالعه و پژوهش با نوع توصیفی و تحلیلی قرار داده و ملاحظات راهبردی و کلان ایران در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی و اقدامات و راهکارهای ایران در این خصوص ارائه شده است. نتایج حاصله از این مطالعه کتابخانه‌ای، گویای این واقعیت است که با توجه به اهمیت اقتدار و منافع ملی ایران به عنوان دارنده بیشترین ساحل و جمعیت در خلیج فارس، در آینده باعث طولانی‌تر شدن روند تحدید حدود مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران با امارات و پیرنگ‌تر شدن ادعای امارات بر سر جزیره بوموسی ایران و تیرگی روابط ایران با امارات و در نهایت با توجه به اهمیت خلیج فارس، باعث حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و دخالت بیشتر آنان در کشورهای عربی منطقه خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** امارات عربی متحدہ، خلیج فارس، جزایر سه‌گانه ایرانی، بوموسی.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت بحران، دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

۲. کارشناسی ارشد اطلاعات استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

۳. کارشناسی ارشد اطلاعات استراتژیک، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

### بیان مسأله

جغرافیای سیاسی دریاها، موضوع جدیدی در جغرافیای سیاسی است که رفتار، حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها نسبت به محیط‌های دریایی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. در رابطه با این موضوع تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس به ایران درحالی که این دریا به عنوان دریای نیمه بسته شناخته شده است در حالی اهمیت می‌یابد که بخش زیادی از تحدید حدود مرز دریایی و فدراسیون امارات عربی متحده در خصوص ادعای سرزمینی این کشور نسبت به جزایر ایرانی خلیج فارس لاینحل مانده است. از طرفی دیگر چنین معمول شده است که هر بار در نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس چه در سطح وزیران خارجه آن‌ها و یا رؤسای کشورهای عضو، در بیانیه نهایی، جمله‌ای هم درباره سه جزیره ایرانی بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به نفع امارات گنجانده می‌شود. از سابقه حضور طولانی استعمار در خلیج فارس در استفاده از منابع زیرزمینی و ترسیم مرزهای سیاسی دریایی و خشکی این منطقه به نفع سیاست‌های پنهان خود و اهمیت ذاتی خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ذخایر انرژی از جمله نفت و گاز و در حال حاضر، حضور گسترده نیروهای فرامنطقه‌ای در کشورهای جنوبی خلیج فارس از جمله امارات؛ خلیج فارس را برای ایالات متحده و متحدانش بسیار حیاتی ساخته است. به طوری که حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس همچنان تا دهه‌های آینده کانون توجه، تنش و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی خواهد بود این در حالی است که تعیین مرزهای دریایی بین ایران و بیشتر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس انجام پذیرفته است، اما تعیین مرزهای دریایی ایران با امارات و بعضی از این کشورها، هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است؛ بنابراین آنچه این نوشتار در پی آن است، پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس از دیدگاه جغرافیای سیاسی است.

### پرسش اصلی تحقیق

از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و در افق آینده پژوهی، پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس چه خواهد بود؟

### فرضیه‌ها

- ۱- ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی، باعث طولانی‌تر شدن روند تحدید حدود مرزهای دریایی ایران با امارات خواهد شد.
- ۲- ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی، باعث پیچیده‌تر شدن اختلاف بر سر جزیره بوموسی و نیز تیرگی روابط متقابل بین ایران و امارات خواهد شد.
- ۳- ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی، باعث محروم شدن ایران از حقوق دریایی خود به عنوان دارنده بیشترین جمعیت و ساحل در خلیج فارس خواهد شد.

### مبانی نظری تحقیق

جغرافیای سیاسی دریاها، شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی است که رفتار و حدود حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها و روابط بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۳۷)؛ بنابراین در جغرافیای سیاسی دریاها، موضوعاتی از قبیل محدوده مرزها و قلمروهای دریایی، دریاها، نیمه بسته، جزایر طبیعی و مصنوعی، تنگه‌ها و رودخانه‌های بین‌المللی به‌طور اخص مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. در هر دو کنوانسیون حقوق دریاها در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، از جزیره تعریف مشترکی به عمل آمد و آن عبارت است از: قطعه زمینی که به‌طور طبیعی به وجود آمده باشد و اطراف آن را آب فراگرفته باشد. (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۹). طبق ماده ۱۲۲ این کنوانسیون، خلیج فارس را می‌توان یک دریای نیمه بسته قلمداد نمود. از طرفی نیز در ماده ۱۲۳ این کنوانسیون، مصوب شده است که دولت‌های حاشیه یک دریای بسته و یا نیمه بسته در اجرای تکالیف خود با همدیگر همکاری خواهند کرد و اداره، حفظ، کاوش و بهره‌برداری از منابع جاندار و حفظ محیط‌زیست دریایی و خط‌مشی‌های تحقیقات علمی با همدیگر هماهنگی خواهند نمود (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۸۲).

در خلیج فارس نزدیک به ۱۳۰ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که درباره حاکمیت بر بعضی از آن‌ها بین کشورهای کرانه‌اش اتفاق نظری وجود ندارد. یکی از پرهیاهوترین مسائل مربوط به ادعاهای امارات عربی متحده نسبت به جزایر ایرانی تنب کوچک و بزرگ و بوموسی است.

بدیهی است که ماهیت چنین ادعایی نمی‌تواند غیرسیاسی باشد. هرچند که ادله سست و بی‌بنیان هم بر آن اضافه می‌شود (افشار، ۱۳۷۴: ۴۵). درک درست اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، به شناخت و بررسی منطقی و معقول سوابق ارتباط انگلیسی‌ها با ایران و جریان‌ات و حوادث مربوط به آن و نیز عوامل درونی از جمله؛ عوامل ساختاری، انگیزه و... بستگی دارد. از آغاز ورود انگلیسی‌ها به محدوده خلیج فارس تا زمانی که جزایر بوموسی، تنب و... از سوی دولت انگلستان، اشغال و در اختیار شارجه و رأس‌الخیمه قرار داده شد. همواره ایران بر آب‌های خلیج فارس حاکمیت داشته است. اشغال این جزایر از سوی بریتانیا با توسل به برخی قواعد و اصول حقوق بین‌الملل به‌ویژه اصل حقوقی «سرزمین بلا صاحب» صورت گرفت. این در حالی بود که این جزایر همواره تحت تسلط و حاکمیت دولت ایران بوده است.

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران توطئه استکبار جهانی و جوه مختلفی به خود گرفته که مرحله تجاوز نظامی و جنگ مذهبی و تفرقه‌افکنی و مرحله برانگیختن انگیزه‌های قومی از جمله این سیاست‌ها است. مرحله آخر این توطئه‌ها در منطقه خلیج فارس به شکل پان‌ایرانیسم و پان‌عربیسم بروز یافت و طرح اختلاف بر سر جزایر سه‌گانه بوموسی، تنب بزرگ و کوچک را می‌توان یکی از آخرین توطئه‌های استکبار به‌ویژه دولت انگلستان در این خصوص دانست در حالی که شرایط جهانی به‌ویژه منطقه خاورمیانه همدلی و همسویی کشورها با یکدیگر را می‌طلبد، اما متأسفانه در برخی از مقاطع همچنان زمزمه‌هایی از جدایی و تفرقه‌شنیده می‌شود. ادامه این روند نه تنها منافع کشورهای منطقه را به دنبال نخواهد داشت، بلکه زمینه‌های حضور بیش از پیش قدرت‌های بزرگ را فراهم می‌آورد. تأکید بر مسائلی که نه تنها مستنداتی ندارد، بلکه زمینه را برای ظهور و بروز تحولات و ناآرامی‌های جدید فراهم می‌آورد. به‌رغم این که جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای مذاکره با اماراتی‌ها در رابطه با حل مسأله جزایر سه‌گانه بارها و بارها اعلام داشته است، اما هر از چند گاهی مقامات این کشور سخن از مالکیت این جزایر را مطرح می‌کنند. امارات عربی متحده کشوری متشکل از هفت امارت یا شیخ‌نشین در حاشیه جنوبی خلیج فارس است که شاهد تحولات و تغییرات قابل توجهی در عرصه‌های داخلی و خارجی است. هرچند این کشور در

مقیاس‌های جغرافیایی و جمعیتی کوچک محسوب می‌شود، اما اهمیت سیاسی، اقتصادی و... آن در چند دهه گذشته به تدریج افزایش یافته است (گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، ۱۳۸۹: ۱) به نظر می‌رسد که عملکرد و نقطه نظرات آن نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی قابل بررسی است.

### یافته‌های تحقیق

#### جغرافیای خلیج فارس و جزایر سه‌گانه ایرانی بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک

##### جغرافیای خلیج فارس

خلیج فارس به نام تاریخی آن «دریای پارس» عبارت است از: یک خلیج با پیش رفتگی وسیع آب در خشکی به صورت دریای نیم‌بسته‌ای در جنوب غربی آسیا با محدوده ۲۳ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه طول شرقی است.

خلیج فارس در جنوب کشور ایران با مساحت ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع، ۵۰۰ مایل طول و با عرض بین ۲۰ تا ۲۶ مایل (که در تنگه هرمز متفاوت است) قرار دارد. گرداگرد خلیج فارس را هشت کشور فرا گرفته است. تمامی کناره شرقی آن تا مصب اروندرود در منتهی‌الیه شمال، به طول ۶۳۵ مایل به ایران تعلق دارد.

خلیج فارس مدل یگانه‌ای در میان مناطقی که در بخش موسوم به غرب آسیا به عنوان مناطق ژئوپلیتیک مستقل و متمایز ارائه کرده است. منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان را در بر دارد و به دلایل تاریخی، دینی، منافع نفتی و راهبردی، اشتراک منافع دارند. هزاران سال پیش بر اثر حرکات کوهزایی در دل دریای پارس که خلیج فارس امروزی بخشی از آن است؛ برجستگی‌هایی به شکل جزیره از دل آب سر بر آوردند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳).

نام جزایر خلیج فارس عموماً پارسی است. این نام‌ها را از قرن‌ها پیش بر این جزایر نهاده‌اند و همگی دارای ریشه تاریخی و محلی هستند. جزایر ایرانی خلیج فارس در مجموع ۳۴ جزیره است. از این تعداد ۱۶ جزیره مسکونی است و شورونشاط زندگی و کار و فعالیت در آن‌ها وجود دارد و سایر جزایر خالی از سکنه‌اند (اقتداری، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۶).

مسائل جهانی و منطقه‌ای خلیج فارس و جزایر متعدد آن در ابعاد ارتباطی، اقتصادی، سیاسی، ژئوراهبردی و ژئوپلیتیک نقش بسیار مهمی را در سرنوشت سیاسی، نظامی، دفاعی و امنیتی کشورهای ساحلی به‌ویژه ایران و امارات عربی متحده داراست. جزایر راهبردی این پهنه آبی به عنوان یک عامل جغرافیایی مهم و نیز به علت ارزش‌های ارتباطی و اقتصادی و نظامی که دارند، دارای نقش مؤثری در موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی هستند و دولت‌ها و قدرت‌های حاکم بر جزایر از آن به عنوان ابزاری در سیاست خارجه خود استفاده می‌کنند.

### تنب بزرگ:

تنب واژه تنگستانی به معنی تپه، شته است. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، در این جزیره تعداد زیادی مار سمی وجود داشت و به همین علت آن را تمب مار و تل مار می‌گفتند. در گویش دریانوردان محلی، این جزیره را تمب گپ (تنب بزرگ) می‌نامند که در اسناد و مکاتبات سده اخیر غالباً از آن به نام تنب یا تنب بزرگ یاد شده است. این جزیره از جزایر سه‌گانه دفاعی تنگه هرمز به حساب می‌آید.

جزیره تنب بزرگ، در حدود ۱۷ مایلی جنوب باختری جزیره قشم، در بخش شمالی خط منصف خلیج فارس واقع شده است. این جزیره میان ۵۵ درجه و ۱۷ دقیقه و ۵۵ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۱۴ دقیقه و ۲۶ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. فاصله تنب بزرگ از بندر لنگه ۳۰ مایل است؛ در حالی که دوری آن از کرانه‌های رأس الخیمه (جزیره حمرا) بیش از ۴۶ مایل است (Mojtahedzadeh, 2006:88).

از نظر موقعیت سوق‌الجیشی این جزیره در تعامل با جزایر بوموسی و تنب کوچک بر سر راه ذخایر انرژی جهان است. این جزیره راهبردی در گذرگاه جهانی یعنی تنگه هرمز قرار گرفته که بر ارزش استثنایی آن افزوده شده است. از ویژگی‌های دیگر این جزیره قرار گرفتن آن در مرکز خطوط کشتیرانی و شاهراه خلیج فارس است، به‌طوری‌که، معبر ورودی خلیج فارس بافاصله ناچیزی از شمال جزیره می‌گذرد. دیده‌بانی نزدیک و احاطه کامل بر تردد شناورها در غرب تنگه هرمز و شرق خلیج فارس به همراه جزایر مکمل خود (بوموسی و تنب کوچک) که در مواقع

حساس و بحرانی می‌تواند ضربات مهلکی بر کشتی‌های عبوری وارد کنند، بر موقعیت راهبردی آن افزوده است.

### تنب کوچک

این جزیره را تنب کوچک، تمبو، تابیوتنب، تونب، تمب مار و تنب مار می‌نامیدند. تمبو در گویش فارسی جنوبی به معنی تپه کوچک است.

جزیره تنب کوچک در مختصات ۲۶ درجه و ۱۴ دقیقه و ۴۸ ثانیه تا ۲۶ درجه و ۱۴ دقیقه و ۲۵ ثانیه شمالی و ۵۵ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این جزیره همانند جزیره تنب بزرگ بر اثر بالا آمدن گنبد نمکی ایجاد شده است. این جزیره با وسعت ۱/۵ کیلومترمربع، جزیره‌ای غیرمسکونی است، اما از آنجا که پشتوانه‌ای برای تنب بزرگ که در خط دفاعی مدخل خلیج فارس واقع شده به شمار می‌رود، اهمیت آن از این جنبه قابل توجه است (Mojtahedzadeh, 1992:22).

### بوموسی

جزیره بوموسی در تاریخ و فرهنگ لغت جغرافیایی به نام‌های بوموسی، ابوموسی، گپ سبزو (سبزه‌زار بزرگ)، بوموف، بن موسی و بابا موسی به کار برده شده است. نام بن موسی و بوموسی در مکاتبات و اسناد رسمی قدیمی مقام‌های ایرانی به چشم می‌خورد که نام بوموسی نسبت به اسامی دیگر بیشتر به کار گرفته شده است (طبرسا، ۱۳۹۰: ۹۵). نام بوموسی برگرفته از نام یکی از سرداران کریم خان است که پس از حضور در این جزیره نام خود را بر آن نهاده است. انگلیسی‌ها پس از نفوذ در خلیج فارس به منظور کنار گذاشتن عناصر ایرانی از این جزیره، عنوان جعلی ابوموسی را برای جزیره به کار بردند (کیانی هفت‌لنگ و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳).

بوموسی با وسعتی حدود ۱۲ کیلومترمربع، غربی‌ترین جزیره خط قوسی آب‌های سرزمینی ایران محسوب می‌شود. این جزیره از لحاظ هندسی تقریباً مثلث شکل و بلندترین ضلع آن ۱/۹ کیلومتر است. (کیانی هفت‌لنگ و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹).

این جزیره در غربی‌ترین نقطه جزایر شش‌گانه قرار دارد که آخرین نقطه از خط منحنی استراتژیک مفروض ایران در مقابل دروازه ورودی تنگه هرمز را تشکیل می‌دهد. بین دو عرض

جغرافیایی ۲۵ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۲۵ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی و دو طول جغرافیایی ۵۵ درجه و یک دقیقه و ۵۵ درجه و ۴ دقیقه شرقی واقع است. این جزیره در فاصله ۳۱ مایلی شرق جزیره سیری، ۴۲ مایلی بندرلنگه ایران و ۳۸ مایلی شارجه امارات قرار دارد. مرتفع‌ترین قله آن به نام کوه حلوا، دارای ۱۱۰ متر ارتفاع است.

جمعیت این جزیره آمیخته از ایرانیانی که اصالتاً از بندرلنگه هستند و عرب‌هایی که از قبیله سودان شارجه می‌باشند (Kayhan, 1971 December 4: 1-3). به دنبال اعلام توافق آذرماه ۱۳۵۰ ش (نوامبر ۱۹۷۱ م)، ایران - شارجه و تجدید حاکمیت ایران بر بخش‌های راهبردی نیمه شمالی این جزیره، مقررات ۱۲ مایل آب‌های کرانه‌ای در بوموسی به اجرا درآمد (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵).

#### موقعیت راهبردی جزایر ایرانی

جزایر بوموسی، تنب بزرگ و کوچک به همراه فارور، قشم، هنگام، لارک و هرمز برخی از جزایر ایران در خلیج فارس هستند که ایران بر آن‌ها مالکیت و حاکمیت دارد (ممتاز، ۱۳۷۶: ۲۳۶) این جزایر در فاصله کمی از یکدیگر واقع شده و اگر با یک خط فرضی به هم وصل شوند موقعیت و اهمیتی راهبردی را برای تسلط ایران بر راه‌های کشتیرانی در تنگه هرمز و خلیج فارس به وجود می‌آورد. بنا به عقیده برخی از کارشناسان نظامی، هر قدرتی که شش جزیره با خط منحنی فرضی بالا را در اختیار داشته باشد، کنترل تنگه هرمز را در دست خواهد داشت و همین اهمیت سوق-الجیشی تسلط بر این مجموعه جزایر، یکی از عللی بود که امپراتوری بریتانیا را ترغیب کرد تا از آغاز قرن نوزدهم به این جزایر چشم دوخته و در جهت تصاحب و تصرف آن‌ها به اقداماتی دست بزند (درجی، ۱۳۷۵: ۸۵).

هر چند جزیره بوموسی از مدخل خلیج فارس نسبتاً دور است، اما به علت شکل دادن قسمتی از زنجیره دفاعی در مدخل تنگه هرمز، ارزش خاصی دارد. این حلقه دفاعی شامل جزایر هرمز، لارک، قشم و هنگام و سه جزیره مورد نظر است. جزیره بوموسی آخرین حلقه دفاعی ایران در دهانه خلیج فارس است. این جزیره از یک طرف محدوده آب‌های سرزمینی ایران و بالطبع مناطق

دریایی دیگر را افزایش داده و از طرف دیگر، حاکمیت ایران بر فلات قاره را گسترش می‌دهد و بنابراین حفظ حاکمیت ایران منوط به تحکیم موقعیت در این جزیره است. این جزیره به همراه جزایر تنب بزرگ و کوچک که تقریباً در وسط خلیج فارس واقع‌اند تکیه‌گاه دفاعی و پایگاه نظارتی ویژه‌ای محسوب می‌شوند. چراکه کریدورهای ورودی و خروجی منطقه راهبردی خلیج فارس در شمال جزیره بوموسی و طرفین جزایر تنب قرار دارند. خصوصیات توپوگرافی بستر خلیج فارس نیز به ارزش سوق‌الجیشی آن‌ها افزوده است؛ زیرا عمیق‌ترین محور ژرفایی خلیج فارس از شمال جزیره بوموسی در امتداد جزایر تنب کشیده شده است. با توجه به عمق بسیار کم خلیج فارس به‌ویژه در سواحل جنوبی این محور ژرفا، مسیر اصلی و انحصاری تردد شناورها، به‌ویژه ناوهای جنگی و هواپیما بر و همچنین تردد احتمالی زیردریایی‌هاست. بدیهی است موقعیت استراتژیک جزایر ایرانی، به‌خصوص جزیره بوموسی و نزدیکی آن‌ها به تنگه هرمز، امکان بهره‌برداری نظامی از آن‌ها را در شرایط حساس و بحرانی برای کشورمان فراهم ساخته و موقعیت برتری را برای کنترل این تنگه مهم که یکی از گذرگاه‌های حساس عبور نفت منطقه است به ج.ا.ایران می‌دهد (عملیات‌های امارات عربی متحده، ۱۹۹۵: ۱۸).

#### امارات عربی متحده و جغرافیای سیاسی این کشور

امارات عربی متحده از جمله کشورهای عربی جنوب خلیج فارس است که در سابق «امارات متصل‌الحه» (اماراتی که صلح کردند) نامیده می‌شد. امارات در قالب یک فدراسیون سیاسی از هفت امارت یا شیخ‌نشین تشکیل شده است که به ترتیب از غرب به شرق عبارت‌اند از: ابوظبی، دوبی، شارجه، عجمان، ام‌القوین، رأس‌الخیمه و فجیره. امارات از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول بخش جنوبی تا شرق ساحل خلیج فارس از پایه شرقی قطر تا پایه رأس‌المسندام در جنوب تنگه هرمز (در شبه‌جزیره مسندام) امتداد یافته و بین ۲۲ درجه تا ۲۶ درجه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی و ۵۱ درجه تا ۵۶ درجه و ۳۰ ثانیه طول شرقی واقع شده است (اسدی، ۱۳۸۱: ۵۸).

در کشورهای حاشیه خلیج فارس، مرزها و جغرافیای سیاسی به عنوان یک نقطه‌ضعف و تهدید برای آنان محسوب می‌گردد. از زمانی که بریتانیا وارد این حوزه آبی شد، ترسیم مرزهای مصنوعی

و تشکیل این دولت‌ها در درون این مرزها میراث شوم بریتانیا در این منطقه بود. امارات عربی متحده در همسایگی دو دریای عمان و خلیج فارس است که از طریق تنگه هرمز به اقیانوس هند متصل می‌شود. این کشور با عمان، عربستان سعودی، قطر و ایران مرز مشترک دارد که مرزهای مشترک در عین مصنوعی بودن؛ فرصت‌ها و تهدیدهای را برای امارات به وجود آورده است. اختلافات مرزی بیشترین تهدید را از لحاظ جغرافیایی برای این کشور با همسایگان خود به ارمغان آورده است.

موقعیت ساحلی امارات مزایای ویژه‌ای را برای این کشور فراهم کرده است و جغرافیای مناسبی نسبت به دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دارد، البته باید اشاره کرد که امارات وابستگی کامل به عبور از تنگه هرمز را ندارد و پهنه سرزمینی این کشور از طریق دریای عمان و دریای عرب به اقیانوس هند راه پیدا می‌کند؛ اما اختلافات مرزی امارات عربی متحده با همسایگان خود، همواره یک تهدید بالقوه محسوب می‌شود و اگر این اختلافات جغرافیایی با اختلافات سیاسی ترکیب شوند، این تهدیدها را بیشتر خواهد کرد.

اختلافات با ایران بر سر جزایر تنب و بوموسی، ادعای عربستان نسبت به دوسوم سرزمین امارات، اختلاف با عمان بر سر شبه جزیره مسندم و اختلافات مرزی با قطر بر سر خورالعیدید از مشکلات جغرافیایی امارات محسوب می‌گردد که در این میان به دلیل مشکلات سیاسی و فرهنگی با ایران اختلاف بر سر جزایر تنب و بوموسی نسبت به دیگر اختلافات پررنگ‌تر است (جعفری ولدانی، ۱۳۹۰: ۸۰-۷۵).

#### بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری مسأله جزایر سه‌گانه

اغلب کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با یکدیگر بر سر اختلاف‌های سرزمینی درگیر هستند که در برخی موارد منجر به جنگ هم شده است (مثل جنگ عربستان و قطر)؛ اما از کشاندن موضوع خود در سطح بین‌المللی خودداری می‌کنند. درحالی‌که مسأله جزایر سه‌گانه ایرانی را تبدیل به یک مناقشه و منازعه بین‌المللی، میان اعراب و ایران کرده‌اند. همچنین امارات عربی متحده هر بار مسأله جزایر را در اغلب جلسات شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب و در دیدار با سران

قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مطرح کرده و از این قدرت‌ها جهت بازپس‌گیری جزایر از ایران استمداد طلبیده است. در همین راستا ادعاهای امارات عربی متحده نسبت به جزایر تنب و بوموسی که می‌خواهد با آن یک نگرانی دائمی برای جمهوری اسلامی ایران در جهت کاهش قدرت منطقه‌ای ایران به وجود آورده و به مهار حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی ایران پردازد، آشکار است. همچنین، این کشور با این ادعا که به دلیل ضعف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته؛ انزوای سیاسی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی و اهمیت راهبردی این جزایر جهت تسلط بر خلیج فارس و تنگه هرمز است؛ به دنبال فرصت‌سازی است تا قدرت چانه‌زنی سیاسی خود را در برابر ایران بالا ببرد اما توسعه و قدرت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این توافقات از قدرت ادعاهای امارات می‌کاهد.

بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری مسئله جزایر سه‌گانه به علت نقش آن در ایجاد یک تفاهم اصولی میان دو کشور ایران و امارات عربی متحده، از اهمیت زیادی برخوردار است. طبق اسناد موجود، اروپا در پایان عصر مترنیخ (سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۸ را عصر مترنیخ اروپا گویند)، بار دیگر وارد مرحله‌ای از قدرت‌یابی دول متخاصم و دسته‌بندی‌های سیاسی شد. نیمه دوم قرن ۱۹ دوره اوج‌گیری این رقابت‌ها بود که با ورود آلمان و فرانسه شکل تازه‌ای به خود گرفت. این رقابت‌ها از دهه هشتاد به بعد به خلیج فارس کشیده شد و انگلستان را به توجه بیشتر به مسائل خلیج فارس واداشت. در این میان، دخالت‌های فرانسه، روسیه و آلمان در خلیج فارس تأثیر بیشتری بر تغییر نگرش انگلستان راجع به جزایر سه‌گانه داشت. (زندیه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

اما رقابت‌های سیاسی کشورهای اروپایی در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم با هدف تسلط بر مناطقی که از لحاظ جغرافیایی اهمیت ویژه‌ای داشتند و جزء کانون‌های مهم تجاری به حساب می‌آمدند، به ویژه هندوستان، موجب شد تا اهمیت خلیج فارس به عنوان دروازه هند افزایش یابد. انگلستان که موقعیت خود را در خطر می‌دید، به طرق مختلف سعی کرد تا این خطرات را رفع نماید. اهمیت جزایر سه‌گانه در زمینه حفظ مستعمره هند، موجب شد که از سال ۱۳۲۱ ه.ق به بعد، انگلستان قواسم را وادار به ادعای مالکیت بر جزایر سه‌گانه و نصب پرچم خود بر آن‌ها نماید.

در نتیجه باید گفت که بحث جزایر سه‌گانه تنها یک مسأله سیاسی است و تنها عامل ایجاد آن، رقابت‌های تجاری دول اروپایی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و با توجه به اهمیت راهبردی جزایر واقع در تنگه هرمز است و نباید موضوع را به سمت اختلافات مرزی ایران و امارات متحده سوق داد. به این ترتیب، روشن است که حتی مقامات وقت انگلستان نیز به ایرانی بودن این جزایر واقف‌اند و تنها عامل عدم پذیرش حق حاکمیت ایران بر این جزایر، رقابت‌های مقطعی دولت‌های اروپایی بوده و در نتیجه با تغییر اوضاع سیاسی، لزوم حل و فصل مسأله جزایر سه‌گانه نمایان گردید که در نهایت در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ه. ش) یک روز قبل از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه و دو روز قبل از تشکیل رسمی کشور امارات عربی متحده، این موضوع به نتیجه نهایی خود رسید (زندیه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۱۵)

این کشور در دوم دسامبر ۱۹۷۱ میلادی، پس از خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس با ابتکار بریتانیا و موافقت کشورهای منطقه استقلال یافت. این کشور ۲۱ سال پس از شکل‌گیری اش (۱۹۷۱-۱۹۹۲ م)، یعنی از سال ۱۹۹۲ میلادی، ادعای مالکیت بر سه جزیره ایرانی بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را محور تقابل در سیاست خارجی خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار داد. علی‌رغم حاکمیت و مالکیت ایران بر این جزایر و اثبات آن با توجه به اسناد و مدارک معتبر در مجامع مختلف داخلی و بین‌المللی، باز شاهد اهداف پنهان امارات عربی متحده در این خصوص هستیم.

#### اعاده حاکمیت مجدد ایران بر جزایر تنب و بوموسی

در سال ۱۹۶۸ انگلستان که بر اثر جنگ دوم جهانی ضعیف شده بود و تحت فشار افکار عمومی قرار داشت، تصمیم گرفت نیروهایش را از شرق کانال سوئز و خلیج فارس خارج کند. در همین زمان بریتانیا در اندیشه ایجاد فدراسیونی از شیوخ تحت‌الحمایه خود در خلیج فارس بود. نخستین اقدام در این جهت، حل مسأله حاکمیت بر بحرین بود. دو دولت ایران و بریتانیا پس از مذاکرات طولانی، به این توافق رسیدند که ایران درازای اعاده حاکمیت خود بر جزایر تنب و بوموسی، استقلال بحرین را به رسمیت بشناسد. در سال ۱۹۷۰ با انجام نظرخواهی سازمان ملل، بحرین از ایران

مستقل شد، اما مذاکرات مربوط به حل و فصل مسأله جزیره‌های سه‌گانه علی‌رغم حسن نیت دولت ایران در مورد بحرین به‌کندی پیش می‌رفت. بریتانیا که درصدد خروج نیروهای خود از خلیج فارس بود تمایلی از خود نشان نمی‌داد و ترجیح می‌داد حالا که از منطقه خارج می‌شود عصر جدیدی از خصومت بین ایران و اعراب را آغاز کند؛ اما دولت ایران اصرار داشت تا قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ یعنی تاریخ خروج نیروهای انگلیسی از منطقه مسأله جزیره‌ها را حل کند، چراکه پس از این تاریخ مسئولیت حقوقی و حمایت رسمی بریتانیا از شیخ‌نشین‌ها پایان می‌یافت در نتیجه هرگونه اقدام نظامی ایران، اقدامی علیه دولت‌های عربی تلقی می‌شد.

ایران که لندن را در حل و فصل مسأله جزایر جدی نمی‌دید، از سال ۱۹۷۰ شروع به اعمال فشار بر بریتانیا کرد. در مه ۱۹۷۰ تهدید دولت ایران به مداخله مسلحانه موجب شد تا بریتانیا فعالیت شرکت‌های نفتی آمریکایی اکسیدنتال را در هفت مایلی آب‌های ساحلی جزیره بوموسی را متوقف کند و در اکتبر ۱۹۷۰ دولت ایران اعلام کرد تا زمانی که مسأله حاکمیت جزیره‌ها حل نشود فدراسیون امارات عربی متحده را به رسمیت نخواهد شناخت و از آن حمایت نخواهد کرد. در فوریه ۱۹۷۱ نیز حکومت ایران به‌طور آشکار اعلام کرد که برای اعاده حاکمیت خود بر جزیره‌های سه‌گانه در صورت لزوم به‌زور متوسط خواهد شد. ایران گام بعدی برای اعمال فشار بر بریتانیا را در مه ۱۹۷۱ برداشت و آن زمانی بود که به نیروهای مسلح خود دستور داد به‌سوی هواپیماهای بریتانیایی که بر فراز ناوگان دریایی ایران به‌ویژه در اطراف جزیره‌های سه‌گانه پرواز می‌کردند، آتش کنند.

دولت ایران با حسن نیتی که در مورد حل و فصل مسأله بحرین از خود نشان داده بود، انتظار عمل متقابل از طرف بریتانیا و اعراب در مورد جزیره‌های سه‌گانه را داشت؛ اما دولت بریتانیا سعی داشت تا با پیشنهادهایی نظیر «ایجاد پادگان مشترک ایرانی، شارجه‌ای در جزیره بوموسی، غیرنظامی کردن جزیره به‌طور دائم، اجاره نودونه‌ساله آن و یا اکتفا به تصرف و فراموش کردن حاکمیت بر جزایر از سوی ایران» نیل به توافق را به تعویق انداخته و مسأله جزایر به‌راستی صورت استخوان‌لای زخم در منطقه باقی‌گذارند. امتناع بریتانیا به حل و فصل سریع مسأله که مورد خواست ایران بود، به طولانی

شدن مذاکرات انجامید. تا این که پس از سه سال وقت‌گذرانی لندن و پیشنهاد راه‌حل‌های نامعقول در مذاکره با دولت ایران، این توافق حاصل شد که دو جزیره تنب بزرگ و کوچک به حاکمیت مستقیم ایران بازگردانده شود، در مورد جزیره بوموسی دولت انگلستان در ادامه همان استراتژی ایجاد اختلاف بین ایران و اعراب، با این بهانه که تعدادی از اتباع دولت شارجه در جزیره زندگی می‌کنند، به «اصل رفع استعمار» منشور سازمان ملل متشبه گردید و قرار بر این شد که توافق نظر دولت شارجه نیز جلب شود. در نتیجه تفاهم‌نامه‌ای با شیخ شارجه در یک مقدمه و شش ماده تنظیم شد که در روز ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ رسماً از سوی شیخ شارجه اعلام گردید. متن این تفاهم‌نامه که حاکمیت مستقیم ایران بر بخش شمالی جزیره بوموسی را تجدید کرد، اما حل و فصل قطعی مسأله این جزیره را مسکوت گذاشت به‌قرار زیر است:

- دو طرف ایران و شارجه، نه ادعای خود را بر سراسر جزیره بوموسی پی خواهند گرفت و نه ادعای طرف مقابل را به رسمیت خواهند شناخت. در عین حال دو همسایه مسلمان بر سر مقررات زیرین توافق کرده‌اند و این مقررات را به اجرا درخواهند آورد.

۱- نیروهای ایرانی به بوموسی وارد خواهند شد و در بخش‌هایی که حدود آن در نقشه پیوست این تفاهم‌نامه مشخص شده است، استقرار خواهند یافت.

۲- الف) در بخش‌های توافق شده در اختیار نیروهای ایرانی، ایران از حقوق حاکمیت کامل برخوردار خواهد بود و پرچم ایران بر فراز تأسیسات نظامی ایران برافراشته خواهد بود.  
ب) شارجه در مابقی جزیره حاکمیت کامل خواهد داشت و پرچم شارجه بر فراز اداره پلیس شارجه در دهکده بوموسی بر همان اساس افراشتن پرچم ایران بر فراز تأسیسات نظامی برافراشته خواهد شد.

۳- ایران و شارجه گستره آب‌های کرانه‌ای بوموسی را در ۱۲ مایل (بر اساس موازین دریایی ایران) به رسمیت خواهند شناخت.

۴- استخراج منابع نفت و ذخایر زیرزمینی در زیر گستره آب‌های کرانه‌های بوموسی که در چارچوب قرار دارد موجود میان شارجه و شرکت نفت و گاز بیوتس صورت می‌گیرد باید از

سوی ایران به رسمیت شناخته شود، نیمی از درآمد نفتی دولتی از استخراج این منابع به‌طور مستقیم از سوی شرکت یادشده به دولت ایران پرداخت شود و نیم دیگر به شارجه تعلق گیرد.

۵- اتباع ایران و شارجه در ماهیگیری در آب‌های بوموسی از حقوق برابر برخوردار خواهند شد.

۶- یک توافق کمک مالی میان ایران و شارجه امضاء خواهد شد.

به این ترتیب، نیروهای انگلستان از خلیج فارس وارد جزایر تنب و بوموسی شدند و این جزایر را پس از ۶۸ سال تلاش و کوشش و اعتراض پیگیر به خاک ایران بازگرداندند. این اقدام ایران اگرچه با مخالفت شدید رژیم‌های چپ‌گرای عرب همچون لیبی، مصر، عراق و... مواجه گردید و آن‌ها به سازمان ملل شکایت بردند، اما روند اعمال حاکمیت ایران بر جزایر تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای همچنان ادامه یافت و با اعتراض قابل توجهی مواجه نشد تا آن‌که صدام حسین رئیس‌جمهوری عراق برای توجیه اقدام تجاوزکارانه خود به جمهوری اسلامی ایران و آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹) و ایجاد جبهه عربی در مقابل ایران «استرداد جزایر خلیج فارس» را بهانه قرار داد.

دولت امارات متحده در تمام سال‌های پس از امضای توافقنامه سال ۱۹۷۱ و حتی سال ۱۹۹۲ هیچ‌گونه اعتراضی به وضع موجود جزایر نداشت و تنها در این سال بود که از سوی امارات به همراه کشورهای مصر و عربستان سعودی (که درصدد تقویت موقعیت خود در منطقه بودند) ادعاهای جدید مطرح شد. آن‌ها ادعا کردند که اقدام ایران در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ در پس گرفتن جزایر تنب و بوموسی از بریتانیا اقدامی ناگهانی بوده و جنبه توسعه‌طلبانه داشته است و آنان از پیش چگونگی مذاکرات ۱۹۷۱ ایران و بریتانیا در زمینه تجدید حاکمیت ایران بر جزایر یادشده آگاهی نداشته‌اند. در نتیجه این ادعاها، جنجال اخیر بین ایران و امارات عربی متحده شکل گرفت که می‌تواند معلول تحولات منطقه‌ای و جهانی باشد (فصلنامه تاریخ جنگ، بی تا: ۱۱۶-۱۱۴).

### بهبان شروع اختلافات امارات عربی متحده با ایران بر سر جزایر سه‌گانه

در آوریل ۱۹۹۲ میلادی، (۲۳ فروردین ۱۳۷۱)، رسانه‌های اماراتی ادعا کردند که مقامات تهران از ورود تعدادی کارگر هندی، پاکستانی و تکنسین‌هایی که در استخدام شارجه بوده‌اند، به جزیره بوموسی جلوگیری کرده‌اند. شورای عالی اتحادیه امارات در ۱۲ مه ۱۹۹۲ م، (اردیبهشت ۱۳۷۱) تشکیل جلسه داد و در پایان نتیجه گرفت که تعهدات خارجی هر یک از امارت شیخ‌نشین عضو امارات به مثابه تعهد اتحادیه امارات عربی متحده تلقی شده و بنابراین از این پس مسأله بوموسی را وزارت خارجه فدراسیون امارات دنبال خواهد نمود.

به منظور حسن اجرای یادداشت تفاهم‌نامه در ارتباط با جزیره بوموسی، ایران و امارات عربی متحده که عهده‌دار امور خارجه شارجه است، از سپتامبر ۱۹۹۲ م، (۲۷ شهریور ۱۳۷۱) به مذاکره پرداختند که در ۵ مهر بی‌هیچ نتیجه‌ای، این گفت‌وگوها متوقف شد. از علل بی‌نتیجه ماندن مذاکرات این بود که مقامات اماراتی، ادامه مذاکرات را منوط به گنجاندن وضعیت هر سه جزیره به جای جزیره بوموسی در دستور کار نمودند. در همان زمان، شیخ زاید، رئیس حکومت امارات عربی متحده اعلام نمود که کشورش، منازعه با ایران را به «دیوان دادگستری بین‌المللی» ارجاع می‌دهد و سپس وزیر خارجه امارات موضوع را در «مجمع عمومی سازمان ملل» مطرح کرد. در همان ماه شورای همکاری خلیج فارس، طی بیانیه‌ای از مواضع امارات به صورت کامل دفاع کرده و در ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریور) همان سال، ۸ کشور عضو بیانیه دمشق یعنی شش کشور شورای همکاری خلیج فارس بعلاوه سوریه و مصر نیز بر بیانیه شورای همکاری کشورهای خلیج فارس صحه گذاشته و ادعای حاکمیت امارات بر بوموسی را تأیید کردند. در برابر تبلیغات گسترده امارات و کشورهای نزدیک به امارات، رئیس‌جمهور وقت ایران (۱۹۹۲ م) اظهار نمود که برای گرفتن این جزایر باید از دریای خون بگذرید. از آن پس امارات با یک طرح‌ریزی از پیش تعیین شده؛ اختلاف را از مالکیت بر بوموسی به ادعای مالکیت بر سه جزیره گسترش داد و در سفر تمامی مقامات کشورهای دیگر به ابوظبی از آنان می‌خواهد که از امارات برای گرفتن جزایر سه‌گانه حمایت به عمل آورند. از دیدگاه ایران، مشکلات اجرای یادداشت تفاهم راجع به بوموسی را می‌توان از راه گفت‌وگو با امارات عربی متحده برطرف ساخت، اما حاکمیت ایران بر جزایر

سه‌گانه امری است مختم که دیگر جای هیچ‌گونه بحث و بررسی ندارد.

**علل ادعاهای امارات عربی متحده نسبت به جزایر سه‌گانه (اهداف پنهان):**

امارات متحده عربی فاقد زمینه تاریخی و هویت سیاسی و اجتماعی نهادینه شده و طولانی است و بر این اساس، انسجام سیاسی و اجتماعی لازم را ندارد. با توجه به دغدغه دولت ملت‌سازی در میان سیاست‌مداران این کشور، از یک منظر می‌توان گفت امارات با طرح ادعا درباره جزایر ایرانی، به دنبال کشور ملت‌سازی بوده و به‌نوعی تلاش دارد با فراقکنی نسبت به تهدید خارجی (ایران) تا حد امکان، از تهدید و نارضایتی داخلی در امان باشد و از این رهگذر، به هویت‌سازی ملی و ایجاد ناسیونالیسم ملی عربی دست بزند (مجته‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۴).

در واقع جنگ و تهدید خارجی می‌تواند در روند هویت‌سازی ملی و ملت‌سازی - کشور سازی نقش مثبتی ایفا نماید که در مورد امارات عربی متحده به نظر می‌آید، این عامل تأثیر مثبت داشته است. این حکومت امیرنشین در سال‌های اخیر با تحریک کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران را تهدید بالقوه‌ای برای خود می‌داند.

ادعاهای سرزمینی و در انزوا قرار گرفتن منطقه‌ای امارات عربی متحده، این ضرورت را ایجاد کرد که از زمان تشکیل این کشور به بازسازی و تقویت نظامی و سیاسی اقدام نموده و به فکر دست یافتن به متحدانی برای خود باشد. پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس، آمریکا به عنوان مهم‌ترین و جذاب‌ترین متحد برای این کشور جلوه یافت. تداوم تخاصم با ایران نیز همواره موجب تداوم آمادگی نظامی و تلاش این کشور برای تقویت هرچه بیشتر وحدت داخلی خود شده است. البته لازم به یادآوری است که بین ایران و امارات عربی متحده ذاتاً اختلاف چندانی وجود ندارد و همان‌گونه که در قرون متمادی گذشته مشاهده شده است، این دو در بطن تمدن و فرهنگ بزرگ ایرانی که روحیه تساهل‌مدارانه و تنوع‌گرایی داشته است، در صلح و صفا زندگی کرده‌اند و حتی مراودات اقتصادی، اجتماعی و حتی گاه فامیلی نیز داشته‌اند. به نظر می‌آید در طول قرن اخیر، ظهور مناقشات بین امارات عربی متحده و جمهوری اسلامی ایران، در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس تحت تأثیر سلطه بریتانیا و آمریکا بر این منطقه است. در واقع، قدرت‌های خارجی با سیاست

«اختلاف بینداز و حکومت کن»، موجب ایجاد افزایش سوء تفاهم‌های ایران و امارات عربی متحده شده‌اند. سیاست بریتانیایی‌ها در بسیاری از نقاط تحت سلطه خود، موجب ایجاد اختلافات قوی گشته که از این امر در جهت تداوم سلطه خود استفاده نموده‌اند و سوء تفاهم‌های ایران و امارات عربی متحده نیز تحت تأثیر این سیاست‌های به میراث گذاشته شده از طرف بریتانیا، باقی مانده است. در واقع، تجربه حکومت‌هایی بحران‌ساز در حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که برخی کشورها، موجودیت خود را از طریق بحران تثبیت می‌کنند. این امر بیانگر آن است که این بازیگران تمامی توان و انرژی خود را برای حداکثر سازی قابلیت‌های معطوف به «مدیریت بحران» به کار گرفته و از طریق اقدامات بحران‌ساز، به توسعه نفوذ مبادرت می‌نمایند (Poustinchi, 2008:134). در این راستا، ایجاد کانون‌های تهدید نه تنها در داخل امارات عربی متحده موجب تقویت ملی‌گرایی اماراتی‌ها و تلاش آنان برای افزایش یکپارچگی و همبستگی ملی در قالب ملت‌سازی - کشور سازی می‌شود، بلکه موجب حساسیت بیشتر تمام اعراب در دیگر نقاط منطقه نسبت به وضعیت هم‌نژاد و هم‌زبان خود شده است. همچنین جلب حمایت حکومت‌های عربی به‌ویژه در شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب را به دنبال داشته است. از طرفی نیز فشار لابی‌های اماراتی بر سیاست‌های این کشورها در جهت توجه بیشتر به امارات، سبب موضع‌گیری و حمایت اعراب از این کشور در مقابل ایران در مسأله جزایر تنب و ابوموسی گشته است. این عوامل در بلندمدت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روند وحدت و همبستگی داخلی امارات عربی متحده داشته باشد و همواره منبعی برای رجوع ملی‌گرایی اماراتی‌ها برای تهییج احساسات ملی گردد. در اینجا لازم است برای روشن تر شدن موضوع به اقدامات امارات در راستای ملت‌سازی - کشور سازی پرداخته شود.

#### اقدامات امارات در راستای ملت‌سازی - کشور سازی

شکل‌گیری امارات عربی متحده، خواسته استعمار فرا منطقه‌ای است و شکل‌گیری کشور مذکور و ملت جدیدش بر اساس زمین‌هایی است که این زمین‌ها نه هویت ملی شمرده می‌شود و نه علت وجودی؛ بلکه ناشی از مصلحت استعماری قدرتی فرا منطقه‌ای است. به این دلیل آشکار است که این کشور نوپا برای دوام و بقای خودش ناچار است که انرژی و ابتکار فراوانی را به کار گیرد تا

بتواند یک علت وجودی و یک توجیه موجودیت برای خود بیابد و بر اساس آن بتواند یک چسبندگی ملی میان اقوام متفرق خود ایجاد نماید تا هویت ملی جدیدی در راستای کشور سازی - ملت‌سازی بسازد تا بتواند بر اساس آن کشور و ملتی واقعی را واقعیت بخشد.

امارات عربی متحده از نظر ترکیب قومی تقریباً ناهمگن است و این خود یک معضل برای این کشور به شمار می‌آید. ملی‌گرایان اماراتی با توسل به تاریخ‌سازی‌ها، اسطوره‌ها و نمادهای تاریخی به شدت در زمینه همبستگی و یکپارچگی ملی فعال بوده و نقش تأثیرگذاری در پیش برد این مسأله داشته‌اند. همچنین این عوامل موجب شده است که در دوره پس از شکل‌گیری امارات عربی متحده (۱۹۷۱ میلادی به بعد) مسئولان اماراتی به دنبال ایجاد نوعی یکپارچگی قوی در میان ملت امارات باشند.

در امارات عربی متحده، قبیله‌گرایی تا حدودی سد پیشرفت به سوی حل بحران هویت ملی شده است. آوی پلاسکو در مورد وجود هویت‌های معارض در منطقه خلیج فارس به ویژه امارات عربی اظهار می‌کند: از لحاظ وسعت و ساخت جمعیتی، امارات عربی متحده و کشورهای منطقه، جلوه‌گر نمادی از تفرقه‌های نژادی، قومی و مذهبی هستند... تاریخ منطقه از قرن نوزدهم را می‌توان در قالب روابط نوسان دار بین حلقه‌های متحد‌المرکز مردم و دولت‌ها توصیف کرد... بنابراین، نیروهای داخلی و خارجی بر تحول هویت‌ها و نهادهای سیاسی موجود در منطقه تأثیر می‌گذارند (Plascov, 2004:4). جیمز بیل نیز معتقد است که عدم نهادینه شدن مرزهای بارز قومی و مذهبی و فقدان آگاهی مردم این جوامع نسبت به کارکرد ساختارهای اجتماعی مختلف، بحران هویت در این منطقه را تشدید کرده است. شیعه و سنی عرب و ایرانی، پاکستانی و فلسطینی، بومی و مهاجر در این کشور به طرز عجیبی در هم آمیخته‌اند. تنها عامل جدا شدن این واحدها از یکدیگر، خاندان‌های حاکم بر آنان هستند که خود عامل مهمی برای انحراف از وفاداری ملی و گرایش به شخص رهبران حاکم می‌شود (مجته‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۲) بنابراین می‌توان گفت که جمعیت ناهمگن قومی و وجود کانون‌های تخاصم تاریخی و نزاع بین‌المللی، از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر پیشرفت نسبتاً قابل توجه یکپارچگی ملی و ملت‌سازی - کشور سازی امارات عربی

متحده می‌تواند باشد. در همین رابطه، در سال‌های اخیر در کتاب‌های درسی کشورهای عرب، به‌ویژه امارات عربی متحده، استان‌های جنوبی ایران و همه جزایر و بندرهای خلیج فارس به عنوان مناطق عرب نشین و با نام جعلی عربستان تجزیه شده، به چاپ رسیده است. چنین هویت‌سازی‌های جعلی و تاریخی اماراتی‌ها در راستای ملت‌سازی - کشور سازی، کوششی است در جهت احیا و تقویت هویت ملی که از سال‌های پس از تشکیل این کشور در جهت ساخت یک حکومت ملی مستحکم، مورد توجه قرار گرفته است.

از دیدگاه تاریخی ملت‌سازی، قبیله‌گرایی و اسلام دو عامل عمده در همگرایی امیرنشین‌های امارات عربی متحده تا اواخر قرن بیستم بوده‌اند؛ اما تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی جهان قرن بیست و یکم در منطقه آشکار ساخته است که این کشور برای مسائل و مشکلات جدیدی که در عصر حاضر با آن مواجه خواهند شد، باید روش‌های نوینی را در جهت پیشبرد اهداف خود در پیش گیرند. این اهداف، سیاست و برنامه‌های ملی و فراملی است که بتواند به حکومت آن‌ها در منطقه، شانس بقا و ادامه حیات دهد. سیاست‌ها و برنامه‌های امارات عربی در قالب کشور سازی - ملت‌سازی قابل بررسی است؛ زیرا که کشور سازی - ملت‌سازی دارای روندهای مختلفی از جمله نیروی ناسیونالیسم و استعمار است که رهبران سیاسی یک حکومت در لایه‌های داخلی و خارجی ملت و کشور خود پیگیری می‌کنند، یا قدرت‌های فرا منطقه‌ای در قالب استعمار روند ملت‌سازی - کشور سازی را در یک سرزمین به نفع خواسته‌های خود رقم می‌زنند. این امر در ارتباط با امارات عربی متحده کاملاً صادق است (دیدگاه سیاسی ملت‌سازی رهبران امارات). در واقع مدل کشور سازی - ملت‌سازی امارات عربی متحده، مدلی از بالا به پائین است؛ یعنی ابتدا کشور و حکومت امارات عربی متحده به وجود آمد، سپس رهبران سیاسی امارات با اقداماتی راهبردی تلاش کردند مسیر ملت‌سازی را طی نمایند. در این راستا، از جمله اقداماتی که رهبران این کشور در جهت کشور سازی - ملت‌سازی با ادعاهای خود نسبت به جزایر تنب و بوموسی دنبال می‌کنند شامل این موارد است:

۱- این کشور با این ادعا به دنبال ایجاد و تقویت ناسیونالیسم ملی - عربی در مقابل تنها کشور

غیرعربی منطقه (ایران) است؛ زیرا که ساکنان جزایر سه‌گانه را عرب معرفی می‌نماید؛ در کتاب‌های درسی و آموزشی مدارس خود از عناوین جزایر عربی استفاده می‌کنند؛ مسئولان اماراتی در سخنرانی‌هایشان در مجامع داخلی و خارجی، عنوان جزایر سه‌گانه عربی را به کار می‌برند. جالب است که امارات عربی متحده اختلافات سرزمینی و مرزی با همسایگان عربش را هیچ‌گاه مطرح نمی‌کند، چون مقابله با هویت عربی در مقابل هویت عربی چسبندگی برای عرب درست نمی‌کند، بلکه برای این کار باید برود به دنبال مقابله هویت عربی با تنها هویت غیرعربی در منطقه که ایران باشد.

۲- جمهوری اسلامی ایران را در مجامع مختلف بین‌المللی به عنوان یک کشور اشغالگر و توسعه‌طلب معرفی می‌کنند (دشمن‌سازی از ایران در جهت یکپارچگی ملی خود)؛

۳- امارات عربی متحده با ادعاهای خود نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی؛ با انکار تاریخ طولانی منطقه، استدلال تقدم داشتن در اشغال جزایر را مطرح می‌کند؛ و قدمت کنترل بخش جنوبی خلیج فارس را به قاسمی‌ها (تبار خود) نسبت می‌دهند. همچنین به تولید و انتشار نقشه‌هایی می‌پردازند که جزایر سه‌گانه را به رنگ سرزمین خودشان نشان دهد (تاریخ‌سازی برای منطقه به نفع خود)؛ بنابراین، علاوه بر یافته‌های کتابخانه‌ای، یافته‌های میدانی ما مبنی بر این که کشور امارات با این ادعا به دنبال فرافکنی و توجه مردم خود به یک عامل خارجی است تا حد امکان از معرض فشارها و نارضایتی‌های داخلی ایمن باشد؛ به دنبال توسعه‌طلبی ارضی، کسب علت وجودی و هویت‌سازی ملی و ایجاد و تقویت ناسیونالیسم ملی - عربی در راستای کشور سازی - ملت‌سازی است (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳).

### **پیامدهای مرزی جزایر سه‌گانه**

از مجموع ۳۲۰ کیلومتر مرز دریایی میان ایران و امارات عربی متحده، فقط ۷۲ کیلومتر با توافق طرفین در سال ۱۳۵۳ تعیین شده است و ۲۴۸ کیلومتر باقی‌مانده به علت اختلاف بر سر جزایر بوموسی و تنب کوچک و بزرگ هنوز بلا تکلیف مانده است. همچنین امارات عربی متحده هنوز نسبت به تعیین عرض دریای سرزمینی خود در خلیج فارس اعلام رسمی نکرده است و با توجه به

اهداف جاه طلبانه‌ای که به پشتوانه و حمایت آمریکا، هم‌پیمانان غربی و صهیونیسم دنبال می‌کند درصدد توسعه هر چه بیشتر مرزهای خود از طریق ایجاد جزایر مصنوعی در سواحل خود بوده است.

### پیامدهای حقوقی جزایر سه‌گانه

خلیج‌ها اساساً از دید حقوق بین‌الملل جزو دریاها یا نیمه بسته محسوب می‌شوند. تا قبل از اجلاس دوم حقوق دریاها که در سال ۱۹۷۴ در کاراکاس پایتخت ونزوئلا تشکیل شد، رویه‌ای مشخص در برخورد با خلیج وجود نداشت. در اجلاس دوم، کشورها مواضع اصولی خود را بیان کردند و نتایج این اجلاس زیربنای کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته‌گوبی قرار گرفت. مسأله دریای بسته و نیمه بسته در این اجلاس از سوی نماینده ایران مطرح شد و منظور از طرح این موضوع، شناسایی حقوق ویژه منطقه خلیج فارس و دریاها یا مشابه آن، تأمین اهداف امنیتی، دفاعی، سیاسی، اقتصادی و اعمال نوعی حاکمیت منطقه‌ای بود. تا این که در سال ۱۹۸۲، کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها به تصویب رسید و با تلاش ایران و برخی دیگر از کشورهای ساحلی ماده ۱۲۲ این کنوانسیون در خصوص دریای بسته و نیمه بسته تدوین و مورد تصویب قرار گرفت؛ بنابراین، خلیج فارس یک دریای نیمه بسته‌ای است که موضوع ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها سازمان ملل متحد است (نامی، ۱۳۸۶:۳۶)

اختلاف ایران و امارات عربی متحده در خصوص جزایر سه‌گانه از جمله اختلافاتی است که گرچه مستقیماً جنگ دو کشور را در پی نداشته، اما یکی از علل جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران قلمداد شده است. ادله مختلف حقوقی از جمله مرور زمان، کنترل مؤثر و مستمر، عدم توسل به زور و تاریخی بودن مالکیت جزایر سه‌گانه ایران، همگی حاکمیت قانونی ایران بر جزایر را اثبات می‌کند.

اماراتی‌ها از چند هزار سال سابقه حکومت در سواحل خلیج فارس فقط و فقط به زنجیره حوادث سال‌های ۱۸۸۷ تا ۱۹۷۱ علاقه‌مند هستند و از تاریخ قدیم و نقشه قدیمی بیزار هستند چون این اسناد و نقشه‌ها همگی ادعای ایران را تأیید می‌کند. آن‌ها مدعی هستند که حقوق بین‌الملل در

دعاوی به گذشته‌ها نگاه نمی‌کند و دوره معاصر ملاک قضاوت قرار می‌گیرد. علی‌رغم این‌که بریتانیا متعهد بود که در امور محلی و قضائی شیوخ دخالت نکند اما عملاً از سال ۱۹۴۵ انگلیسی‌ها تمام امور را در دست داشتند (حتی در این سال بریتانیا از شیوخ تعهد گرفت که حق حل و فصل هیچ‌گونه مسائل قضائی را نداشته باشند).

#### پیامدهای ژئوپلیتیکی جزایر سه‌گانه

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، خلیج‌ها ماهیت متفاوتی نسبت به دریاهای آزاد دارند. خلیج‌هایی مانند خلیج فارس از طریق یک گذرگاه آبی با کره آبی ارتباط دارند و ورود و خروج کشتی‌ها از طریق این گذرگاه آبی صورت می‌گیرد. این گذرگاه آبی در خلیج فارس، تنگه هرمز است که از تنگه‌های راهبردی جهان به شمار می‌رود و برای جهانیان از اهمیت حیاتی برخوردار است (نامی، ۱۳۸۶: ۳۶)

همچنین امارات در کنار این موضوع، درصدد است یک انبار ۲ میلیارد دلاری گاز مایع در فجیره در شرق امارات ایجاد نماید؛ تا در صورت بسته شدن تنگه هرمز، همچنان امکان صدور گاز برای آن محفوظ بماند. ساخت این پایانه گازی در ساحل شرقی امارات و در دریای عمان به‌جای دویی که در داخل خلیج فارس قرار دارد، این امکان را برای امارات به وجود می‌آورد که تنگه هرمز را به عنوان یک گلوگاه راهبردی دور بزند. همچنین شیخ‌نشین ابوظبی نیز قصد دارد، یک خط لوله نفتی را تا فجیره احداث کند که روزانه ۱/۶ میلیون بشکه نفت را به آن سوی تنگه هرمز منتقل نماید و مسیر موجود تانکرها از طریق تنگه هرمز را دور بزند. همه این تصمیمات، در پی احتمال حمله نظامی آمریکا به این صورت گرفته است تا در صورت عملی شدن چنین تهدیدی، آمادگی امارات در رویارویی با این بحران افزایش یابد.

#### پیامدهای سیاسی جزایر سه‌گانه

از لحاظ سیاسی می‌توان گفت، جمهوری اسلامی ایران، از آغاز مطرح شدن مسائل مربوط به جزایر میان دو کشور تاکنون، بارها و بارها حسن نیت خود را برای حل موضوع به‌صورت مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره دوجانبه نشان داده است. در این راستا حتی مقامات سیاسی ایران در سطح وزیران

خارج و یک‌بار نیز در سال ۱۳۸۶ در سطح ریاست جمهوری (در زمان جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد) به امارات سفر کرده‌اند؛ اما هر بار این طرف اماراتی بود که به‌جای رجوع به مذاکرات دوجانبه بر اساس تفاهم‌نامه سال ۱۹۷۱، با جنجال آفرینی تلاش کرده است تا این موضوع به یک مسأله پیچیده تبدیل شود. به‌طور کلی مواضع سیاسی امارات به نحوی است که با فضاسازی کاذب قصد دارد موضوع جزایر سه‌گانه را تبدیل به موضوع عربی و ایرانی نماید؛ تا در این فضای غبارآلود بتواند، با خیال راحت‌تری دست به اقدامات جاه‌طلبانه خود در منطقه ببرد.

درواقع تعداد دفعات و شدت سخنان برخی از شیوخ حاشیه جنوبی خلیج فارس درباره ایران در سال‌های اخیر تابعی شده است از چگونگی مواضع واشنگتن و تهران. از طرفی دیگر، همیشه در بیانیه‌های نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزرای خارجه و یا رؤسای کشورهای عضو، جمله‌ای هم درباره سه جزیره ایرانی بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک آورده می‌شود. یکی از مهم‌ترین اقدامات امارات، اقدامات خزننده و گام‌به‌گام کشور مذکور برای خارج کردن مسأله از سطح دوجانبه میان دو کشور و کشاندن آن به سطح منطقه‌ای و سپس بین‌المللی است.

دولت آمریکا در راستای اهداف کلان استعماری و دخالت جویانه خود از ادعای شیوخ امارات نیز در خصوص مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی حمایت کرده است؛ به‌طوری‌که ژنرال اریک کمیت از مسئولین نیروی مرکزی آمریکا در امور سیاسی در گفتگو با تلویزیون فرانسه گفته است: «واشنگتن از طرح ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس حمایت می‌کند و ادعای شیوخ امارات در خصوص ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس حمایت می‌کند و ادعای شیوخ امارات» (gov.irwww.mfa).

به نظر می‌رسد، اقدامات جاه‌طلبانه امارات در منطقه و در دنیا در خصوص توسعه علمی، اقتصادی، نظامی و... با پشتیبانی تمام‌عیار ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش در راستای تأمین منافع صهیونیسم بین‌الملل و فشار مضاعف سیاسی هرچه بیشتر بر ایران در موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی جهت کاهش نفوذ و قدرت ایران در داشتن بیشترین مرز دریایی در حوزه خلیج

فارس گره زده شده است. با توجه به رویکرد دولت امارات مبنی بر بحران‌سازی علیه جمهوری اسلامی و کسب امنیت از سوی قدرت‌های بزرگ، در این خصوص هر گاه چالش‌های ایران و غرب به اوج رسیده، همانند استخوان‌لای زخم، امارت به ابزاری جهت فشار منطقه‌ای به ایران بدل شده است.

### پیامدهای اقتصادی جزایر سه گانه

اقتصاد امارات عربی متحده تا قبل از ۱۹۵۰ (زمان کشف نفت) عمدتاً بر صنعت ماهیگیری و صید صدف مروارید استوار بود؛ اما از سال ۱۹۶۲، زمانی که شیخ‌نشین ابوظبی برای نخستین بار اقدام به صادرات نفت کرد؛ اقتصاد این کشور با تغییرات چشم‌گیری روبرو شد. با توسعه صنعت نفت، سرمایه‌گذاران خارجی دست به سرمایه‌گذاری زدند که باعث توسعه بخش‌های مختلف اقتصاد شد، امارات هم‌اکنون، بزرگ‌ترین مرکز صادرات کالاهای غرب آسیا به شمار می‌رود. گمرک امارات، ایران را بزرگ‌ترین شریک صادرات مجدد این کشور معرفی کرده‌اند.

امارات عربی متحده، اتحاد و وحدت هفت شیخ‌نشین را مدیون تهدیدهای خارجی از جمله بحران جزایر سه گانه با ایران می‌داند که مشروعیت آل‌نهیان را در طول ۴ دهه حفظ کرده است. شکل‌دهی دشمن فرضی در اذهان افکار عمومی این شیخ‌نشین پراکنده توانسته وحدتی موقتی را به وجود بیاورد تا مسائل و مشکلات داخلی این کشور به چشم نیاید. تکیه بر قدرت‌های خارجی از جمله بریتانیا و آمریکا از عوامل حفظ این فدراسیون هفت گانه بوده و منافع این قدرت ایجاب می‌کند که این شیخ‌نشین با این وضعیت حفظ شود. بی‌شک سیاست قدرت‌های بزرگ به دنبال قدرت اعراب در حاشیه جنوبی خلیج فارس در برابر ایران و تضعیف و مهار ایران در منطقه است و قدرت اقتصادی امارات عربی متحده در برابر ایران یکی از همین اهداف است (مهر عطا، ۴۸:۱۳۹۰).

### تجزیه و تحلیل

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که از دیدگاه جغرافیای سیاسی دریاها و در افق آینده‌پژوهی، پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس چه

خواهد بود؟ برای پاسخ مناسب سؤال این سؤال، سه فرضیه به ترتیب زیر مطرح شد:

- ۱- ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی، باعث طولانی تر شدن روند تحدید حدود مرزهای دریایی ایران با امارات خواهد شد.
  - ۲- ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی، باعث پیچیده تر شدن اختلاف بر سر جزیره بوموسی و نیز تیرگی روابط متقابل بین ایران و امارات خواهد شد.
  - ۳- ادعاهای واهی امارات عربی متحده بر جزایر سه گانه ایرانی، باعث محروم شدن ایران از حقوق دریایی خود به عنوان دارنده بیشترین جمعیت و ساحل در خلیج فارس خواهد شد.
- قبل از ارزیابی فرضیات فوق، شایسته است یادآوری شود، امارات عربی متحده به دلایل زیر، از اهمیت جغرافیایی بالایی برخوردار است: ۱- دارا بودن سواحل زیاد در خلیج فارس (حدود ۷۰۰ کیلومتر) ۲- ارتباط با دریای عمان و واقع شدن در بخش شمالی و جنوبی کشور عمان ۳- مرکز مبادلات و تجارت آزاد منطقه‌ای ۴- هم‌جواری مرز با عربستان سعودی و داشتن مرز آبی نسبتاً زیاد با جمهوری اسلامی ایران. همچنین موقعیت خاص این کشور به جهت قرار گرفتن در نزدیکی تنگه هرمز و اشراف آن بر جزایر سه گانه بوموسی، تنب بزرگ و کوچک، از دیگر دلایل اهمیت جغرافیایی آن محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، این کشور از یک اقتصاد باز برخوردار است و امور تجاری و صادرات نیز یکی از منابع درآمدهای قابل توجه این کشور است که از این جهت، در مقایسه با دیگر کشورهای عربی، موقعیت ممتازی دارد. همچنین دولت امارات یکی از اعضای مهم شورای همکاری خلیج فارس است و با اتخاذ سیاست‌های این کشور در تعامل با کشورهای فرا منطقه‌ای به‌ویژه آمریکا و ادعاهای واهی آن در مورد جزایر سه گانه ایرانی، به‌طور فزاینده‌ای در امور سیاسی و امنیتی خود به بیگانگان متکی است. (صفوی و قنبری، ۱۳۹۰: صص ۲۰-۱۹).
- بنابراین، یافته‌ها درباره فرضیه اول نشان می‌دهد که همه وضعیت و شرایط موجود از قبیل؛ اهمیت اقتدار و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دارنده بیشترین ساحل و جمعیت در خلیج فارس، رعایت حقوق متقابل کشورها در اطراف دریای نیمه بسته بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها، عدم تعیین حدود بخش زیادی از مرزهای دریایی ایران با امارت، اقدامات امارات در

خصوص ساخت جزایر مصنوعی گویای این واقعیت است که زمینه برای سوءاستفاده امارات در راستای طولانی و پیچیده نمودن تعیین مرزهای دریایی با ایران فراهم است و همچنین پیش‌بینی می‌شود که آینده، امارات با سوءاستفاده از قاعده عرف و گذشت زمان مطرح نماید.

یافته‌ها درباره فرضیه دوم نشان می‌دهد که همه وضعیت و شرایط موجود از قبیل اهمیت راهبردی جزایر بوموسی، تنب بزرگ و کوچک در مدخل ورودی تنگه هرمز و محدود بودن آبراهه‌های بین‌المللی در خلیج فارس، اهمیت مضاعف خلیج فارس برای ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، متکی بودن امارات در مسائل سیاسی و امنیتی به شورای همکاری و ایالات متحده آمریکا، ترغیب ساخت جزایر مصنوعی از سوی سایر کشورهای عربی خلیج فارس، عدم اعلام رسمی امارات در مورد محدوده آب‌های سرزمینی خود از زمان شروع تعیین حدود مرزهای آبی در خلیج فارس؛ گویای این واقعیت است که در آینده، اختلاف موجود امارات با ایران بر سر جزایر سه گانه، پیچیده‌تر و امارات تلاش خواهد کرد تا شکل بین‌المللی به این موضوع بدهد. همچنین بعید به نظر نمی‌رسد که امارات با استفاده از قاعده عرف و گذشت زمان، ضمن اعلام دریای سرزمینی خود، ادعای قرار داشتن جزایر سه گانه در محدوده دریای سرزمینی خود را با جرئت و جسارت بیشتری در آینده مطرح نماید.

یافته‌ها درباره فرضیه سوم نشان می‌دهد که پیامد حقوقی می‌تواند زیربنای پیامدهای دیگر باشد. به عبارت دیگر، پیامد حقوقی به اندازه‌ای دایره و ابعاد آن وسیع است که خود می‌تواند در صورت اعاده نشدن حق طرفین، در آینده منجر به پیامدهای ناگوار دیگری شود.

### نتیجه‌گیری:

به‌طور کلی در مجال کم این مقاله و در افق آینده‌پژوهی، پیامدهای ناشی از ادعاهای واهی امارات عربی متحده در خصوص جزایر سه گانه ایرانی بر ایران در خلیج فارس مورد بررسی و پژوهش قرار گرفت. که به‌طور اجمال پیامدهای مذکور به شرح زیر می‌باشند:

**پیامدهای مرزی:** اقدامات جاه‌طلبانه و توسعه‌طلبانه امارات پیش‌بینی ادعای آینده این کشور مبنی بر تغییر خط مبدأ دریایی و پیش‌بینی افزایش ادعای واهی امارات درباره جزایر ایرانی در خلیج

فارس، پیچیده شدن مکانیسم تعیین مرزهای دریایی بین دو کشور در بستر و سطح دریا، سوءاستفاده امارات از کنوانسیون حقوق دریاها و پیش‌بینی متوسل شدن به عرف و گذشت زمان **پیامدهای حقوقی:** عدم رعایت مواد قانونی کنوانسیون حقوق دریاها از سوی امارات، خود زمینه مناسبی را برای شکایت ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور ساحلی در خلیج فارس علیه امارات فراهم می‌سازد.

**پیامدهای ژئوپلیتیکی:** افزایش سواحل امارات و تسلط بیش‌ازپیش آن به آبراه‌های بین‌المللی و جزایر راهبردی در خلیج فارس، پیش‌بینی کاهش اقتدار جمهوری اسلامی در پهنه خلیج فارس **پیامدهای سیاسی:** تبدیل موضوع جزایر ایرانی مورد اختلاف با امارات در خلیج فارس به موضوعی عربی و ایرانی و زمینه حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس **پیامدهای اقتصادی:** افزایش درآمد اقتصادی امارات و رقابت با ایران در صادرات و واردات کالا در خلیج فارس

#### الف - ملاحظات راهبردی و کلان ایران در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی

صرف محکوم کردن یا تکذیب کردن این اقدامات از سوی سخنگوی وزارت خارجه یا دیگر مقامات ایرانی کفایت نمی‌کند و تداوم این وضعیت، درعین حال منافع ملی و تمامیت سرزمینی ایران را وجه‌المصالحه یا بازیچه بده‌ویستان‌های سیاسی کشورهای دیگر خواهد کرد. توجه به مثال زیر، این موضوع را روشن‌تر خواهد کرد: در بیانیه پایانی اجلاس شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا، اروپایی‌ها توانستند عرب‌های حوزه خلیج فارس را در زمینه نگرانی‌های خود در مورد برنامه هسته‌ای ایران با خود همراه ساخته و آن را در بیانیه پایانی اجلاس بگنجانند، متقابلاً اروپاییان نیز حمایت خود را از مواضع امارات در مورد جزایر سه‌گانه بیان داشتند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد جزایر سه‌گانه ایرانی، از سوی دیگران به منزله گوشت قربانی، در هر بازاری مورد معامله قرار می‌گیرد.

تداوم این وضعیت فعلی اولاً تابعی از قدرت ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و ثانیاً تابعی از نوع روابط جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا است.

پس از انقلاب اسلامی که ایران به دلیل پرداختن به مسائل متعدد و مشکلات متنوع داخلی و دفع توطئه‌های فراوان، توجه خود را نسبت به مسائل پیرامونی تا حدودی کاهش داد و روابط ایران با قدرت‌های فرا منطقه‌ای به تیرگی گرایید، برخی از کشورهای کوچک‌تر همسایه با اغتنام از فرصت، در پی برخی تسویه‌حساب‌های پیشین برآمدند و این اقدامات با حمایت آشکار و پنهان سایر بازیگران معارض همراه بود. بنابراین تا زمانی که این وضعیت تداوم داشته باشد، شاهد چنین برخوردهایی نیز خواهیم بود. کاهش این رفتارهای خصمانه تنها در گرو افزایش قدرت ملی و منطقه‌ای ایران از یکسو و کاهش تنش‌های موجود با قدرت‌های فرا منطقه‌ای از سوی دیگر است (نجفی فیروزجائی، ۱۳۸۷: ۴-۱۵۱).

اقدامات امارات برای خارج کردن موضوع از سطح یک «سوء تفاهم» که صرفاً به «روابط دوجانبه» ایران و امارات مربوط است و سعی در کشاندن موضوع به سطح منطقه‌ای و سپس بین‌المللی که تا حدودی نیز توفیق یافته است، برای منافع ملی و تمامیت سرزمینی ایران بسیار خطرناک است. گنج‌انیده شدن یک‌بند مربوط به جزایر سه‌گانه ایرانی در بیانیه نهایی اجلاس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان یک سنت ثابت که با تلاش‌های مستمر دیپلماتیک و رایزنی‌های سیاسی امارات انجام می‌گیرد، از چند بعد حائز اهمیت است:

اول- یکی از اهداف امارات که در سال‌های اخیر، استراتژی مطرح نمودن موضوع بالا در تمامی اجلاس‌ها و نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در پیش گرفته است، در حقیقت جمع‌آوری اسناد در درازمدت است.

دوم- طرح چنین موضوعی به‌ویژه در اجلاس‌هایی که یک‌طرف آن مثلاً اروپا یا دنیای لاتین است و ربطی به دستور کار و روح نشست ندارد، خارج از قواعد و حتی عرف بین‌المللی است. هزاران اختلاف مرزی حتی بسیار بزرگ‌تر از موضوع جزایر سه‌گانه در گوشه و کنار دنیا وجود دارد که در چنین اجلاس‌هایی و این‌گونه بدان‌ها پرداخته نمی‌شود. بنابراین می‌توان ارزیابی کرد که کشورهایی در فاصله‌هایی بسیار دور مثلاً در پانزده هزار کیلومتری با ما، بدون داشتن منافع مشترک مرزی و منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران، می‌توانند به‌طور غیرمستقیم و به‌واسطه

کشورهای عربی - به ویژه امارات - عاملی برای تهدید امنیت ملی کشورمان باشند. سوم - چنین رفتارهایی می‌تواند ناشی از فقدان روابط فعال سیاسی ایران با کشورهای مختلف دنیا - از جمله کشورهای عربی، اسلامی، اروپایی و آمریکای لاتین - بوده است و در سال‌های اخیر مسئولین مربوطه در رفع و کاهش آن به‌طور گام‌به‌گام اقدام نموده‌اند.

#### ب- اقدامات و راهکارهای ایران در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی

گرچه موافقت‌نامه سال ۱۹۷۱ بین ایران و شیخ شارجه را نمی‌توان در مفهوم مضیق «معاهده» نامید، اما بر اساس حقوق بین‌الملل معاصر هیچ‌کس نمی‌تواند تعهدات ناشی از سند مذکور را نادیده بشمارد. بر این اساس حق حاکمیت بر جزیره بوموسی به ایران واگذار شده و چون این سند از لحاظ حقوق بین‌الملل الزام‌آور است، بنابراین بین طرفین لازم‌الاجراست. لازم به یادآوری است که در خصوص دو جزیره دیگر هیچ سند حقوقی دال بر مالکیت و حاکمیت امارات عربی متحده وجود ندارد. بعلاوه، ادله مختلف حقوقی بین‌المللی از جمله مرور زمان، کنترل مؤثر و مستمر، عدم توسل به زور و تاریخی بودن تصاحب جزایر از طرف ایران، حاکمیت قانونی ایران بر جزایر را اثبات می‌کند.

بحث جزایر سه‌گانه ایرانی؛ بوموسی، تنب بزرگ و کوچک؛ که هرازگاهی اماراتی‌ها ادعای ناحق و تکراری خود را درباره آن مطرح می‌کنند، از مسائلی است که باید به عنوان یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد اهتمام مسئولان کشورمان نه به صورت استراتژی‌های مقطعی و تاکتیکی؛ بلکه به صورت استراتژی دراز مدت قرار داده شود.

لزوم روشن‌گری در خصوص به کار بردن نام واقعی جزیره «بوموسی» به جای نام جعلی این جزیره «ابوموسی» در محافل علمی، نشریات، صداوسیما و... که (حدود ۱۰۰ سال) از سوی شیطنت کشور انگلیس این تغییر نام در خصوص اهداف خبیث خود صورت پذیرفته است. راهکار دیگری که ارائه می‌شود تدوین قوانین و مقرراتی برای تبدیل این جزایر به سه قطب تجاری، گردشگری، تفریحی است.

یکی از این راهکارها مسکونی کردن و یا تبدیل این جزایر به منطقه آزاد تجاری است. مهم‌ترین راهکار، اقدام از طریق روش‌ها و ابزارهای حقوقی و نیز ایجاد کرسی‌های علمی متعدد برای دفاع از مالکیت جزایر ایرانی است.

اقدام عملی مردم غیور کشورمان با توجه به همسایگی کشورمان با کشور امارات عربی متحده این است که تا حد امکان از امکانات تفریحی و تجاری امارت استفاده نکنند. ودست‌اندرکاران امر به همراهی مردم شرایطی را در کشور فراهم کنند که مردم بتوانند به طور رضایت بخشی از امکانات و توانایی‌های کشور خود در امر سرمایه‌گذاری و گردشگری بهره ببرند.

در پایان بیان می‌شود که تا زمانی که این مسأله به صورت تک‌بعدی نگریسته شود و دیدی همه‌جانبه و کلی در مورد آن از لحاظ تاریخی، سیاسی و فرهنگی و چه از لحاظ دیپلماتیک، منطقه‌ای و جهانی اعمال نشود، شناخت درستی نسبت به آن ایجاد نخواهد شد و بنابراین راهکار ارائه شده برای آن، آن چنانکه باید کارایی لازم را نخواهد داشت.

کتابنامه

الف - منابع فارسی:

- ۱- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت.
- ۲- امیرابراهیمی، عبدالرضا (۱۳۵۵)؛ خلیج فارس؛ تهران، پژوهشگاه نیروی انسانی.
- ۳- افشار، ایرج (۱۳۷۴)؛ جزیره ایرانی خلیج فارس؛ انتشارات وزارت امور خارجه: تهران.
- ۴- اقتداری، احمد (۱۳۸۴)؛ آثار شهرهای باستانی؛ تهران.
- ۵- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴)؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاهای، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳)؛ افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- جعفری ولدانی (۱۳۹۰)؛ ژئوپلیتیک امارات عربی متحده؛ ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۷۴-۲۷۳.
- ۸- درجی، حسین (۱۳۷۵)؛ حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی: دانشکده حقوق.
- ۹- دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۹۰)؛ کتاب سبز امارات متحده؛ تهران.
- ۱۰- زندیه، حسن و عرب اسماعیلی، محمود و قاسمیان، سلمان (۱۳۹۰)؛ «روند شکل‌گیری مسأله جزایر سه‌گانه»؛ پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال اول، شماره اول، پائیز و زمستان.
- ۱۱- صفوی، سید یحیی و قنبری، علی‌اصغر (۱۳۸۹)؛ «پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات عربی متحده بر ایران در خلیج فارس»؛ فصلنامه ژئوپلیتیک؛ سال هفتم، ش سوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۲۴-۱.
- ۱۲- طبرسا، نقی (۱۳۹۰)؛ جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس؛ تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- ۱۳- کاردان، عباس (۱۳۸۷)؛ «ساختار و توانمندی نظامی کشورها: امارات عربی متحده»؛ ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ششم، ش ۶۸.
- ۱۴- کیانی هفت لنگ، کیانوش و سعیدی، مانی راه چمنی، رضا (۱۳۹۳)؛ جزایر ایرانی خلیج فارس؛ تهران: اسرار دانش.
- ۱۵- ممتاز، جمشید (۱۳۷۶)؛ ایران و حقوق بین‌الملل؛ تهران: نشر دادگستر.
- ۱۶- ماهنامه خلیج فارس و امنیت؛ معاونت دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال چهارم و پانزدهم، اسفند ۱۳۹۲ و فروردین (۱۳۹۳)، ش ۱۵۲ و ۱۵۱.
- ۱۷- ماهنامه خلیج فارس و امنیت؛ معاونت دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، خرداد ۱۳۹۳، ش ۱۵۴.
- ۱۸- ماهنامه خلیج فارس و امنیت؛ معاونت دانش و پژوهش نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، آبان (۱۳۹۳)، ش ۱۵۹.
- ۱۹- مجتهدزاده، پیروز و زهرا احمدی پور و طهمورث حیدری (۱۳۹۱)، «تبیین دیدگاه‌های امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی از سال (۱۹۹۲) میلادی»، فصلنامه ژئوپلیتیک: سال هشتم، شماره اول.
- ۲۰- محمود محمود (۱۳۸۶)؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم؛ تهران: اقبال امیدی.
- ۲۱- نجفی فیروزجائی، عباس (۱۳۸۷)؛ روند سیاسی شکل‌گیری دعاوی امارات عربی متحده در قبال جزایر سه‌گانه؛ مرکز تحقیقات راهبردی، ش ۴۷، بهار.
- ۲۲- یکتا، حسین؛ «بحران جزایر سه‌گانه خلیج فارس»؛ فصلنامه تاریخ جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بی تا، ۱۲۶-۱۱۱.

#### ب- منابع خارجی و وبگاه‌ها

- 1- Brubaker, Rogers (1995); "Myths and misconceptions in the study of nationalism". In John A. Hall (ed), *The State of the Nation; Ernest Gellner and the Theory of Nationalism*, Cambridge: Cambridge

- University Press.
- 2- Etzioni, A (2004); A Self – Restrained Approach to Nation-Building by Foreign Powers, in *International Affairs*, 80 (1).
  - 3- Faguet, J.p (2004); *Democracy in the Desert: Civil Society, Nation – Building and Empire*. (Discussion Paper 3). London: Crisis States Development.
  - 4- Fukuyama, Franci (2006); *State – Building: Governance and World Order in the 21 st Century* (Ithaca, NY: Cornell University Press).
  - 5- Goldsmith, A (2007); Does Nation-building Work? In Brinkerhoff, D. (ed.) *Governance in Post – Conflict Societies – Rebuilding Fragile States*, New York: Routledge.
  - 6- Hippler, Jochen (2010); “Ethnicity, state and nation Building”. At [www.nation building.htm](http://www.nationbuilding.htm).
  - 7- Hopp, U.& Kloke – Lesche, A (2005); *External Nation-building vs. Endogenous Nation – forming: A Development Policy Perspective* in Hippler, J. (ed). *Nation – building; A Key Concept for Peaceful Conflict Transformation?* London: Pluto Press.
  - 8- Huber, Martin (2010): “ State-building in Georgia: Unfinished and at Risk?” Netherlands Institute of International Relations, ‘Clingendael’, Conflict Research Unit, February 2010. <http://www.clingendael.nl/cru>.
  - 9- Jackson, P (2003); *Warlords as Alternative Forms of Governance*. *Small Wars and Insurgencies*, 14(2).
  - 10- Jagers, Keith (1992); “War and the Three Faces of power: War Making and state Making in Europe and the Americas”. *Comparative political studies*, Vol. 25. No. 1. April.
  - 11- Kayhan Newspaper (1971); December 4, Tehran (in Persian)
  - 12- Lister, S. & Wider, A (2005); *Strengthening Subnational Administration in Afghanistan: Technical Reform or State- Building?* In *Public Administration and Development*, 25.
  - 13- Mojtahedzadeh, Pirouz & Hafeznia, Mohammadreza (2008); *Semantic Equalization of geopolitical Terms*, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 4, No. 1, Tehran (in Persian).
  - 14- Ottaway, Marina (2010); “Thinking Again: Nation Building”. *Foreign Policy*, sept/oct. 2008. Reprinted at [www.ceip.org](http://www.ceip.org).
  - 15- Pei. M. Amin, S and Garz, S (2006); *Building Nations: The*

American Experience.

- 16- Poustinchi Zohreh (2008); Transition from Shatter Belt: Remaking of the Cooperative Security in the Persian Gulf, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No. 1, Tehran (in Persian).
- 17- Saeifzade, Hossein & Roshandel, Jalil (2003); Structural contradictions in the Persian Gulf region, Center for Scientific Research and Strategic Studies of Middle East, Tehran (in Persian)
- 18- Starr, S.F (2006); Sovereignty and Legitimacy in Afghan Nation-building. In F.Fukuyama (Ed), Nation- Building: Beyond Afghanistan and Iraq. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.
- 19- Yad Magazine (2006); the strategic position of the three islands, No.80.  
-<http://persiangulfut.blogfa.com>  
- <http://parssea.org>  
-<http://hvm.ir>  
-<http://pahlaviha.pchi.ir>  
- <http://www.momtaznews.com>  
-<http://dsrc.ir>  
-<http://www.farsnews.com>  
- <http://www.rajaneews.com>  
-<http://www.csr.ir>  
- <http://www.aja.ir>

